

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران
۲۳ جنوری ۲۰۲۳

هدف "وکالت" به رضا پهلوی، نفاق اندازی در میان مردم:

با به پاخیزی و حماسه آفرینی مردم ایران پس از قتل جنایتکارانه ژینا، دختر جوان کرد توسط جمهوری اسلامی، هر روز جریانات ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم دست به تحرک تازه ای می زنند تا بر این جنبش اصیل و حق طلبانه مردم برای رهائی و آزادی سوار شوند. مردمی که متحدانه شعار "زن، زندگی، آزادی" را در رأس قرار داده اند. زنان و مردان جوان برای رهائی زن در کشور متحدانه جنگیدند و جان دادند. مردمی که زندگی شان توسط رژیم مذهبی و واپسگرا به گروگان گرفته شده است و آزادی شان در اسارت یک طبقه استثمارگر مرتجع و مذهبی گرفتار است، دست در دست هم جنگیده اند تا زن، زندگی و آزادی را پس بگیرند. مردم علاوه بر شعار اصلی و نشانه رفتن سران حکومت، همچنین "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر" را در شهرها و مناطق مختلف و در دانشگاهها فریاد زدند. مردم تحت شدیدترین شکنجه ها و زندان و اعدام قرار گرفتند، خانواده هاعیزان خود را از دست دادند اما سوگ آن ها ادامه مبارزه سازش ناپذیرشان بود.

حالا دارودسته سلطنت طلبان، رضا پهلوی را به جلو انداخته اند واز مردم هم "وکالت" می خواهند تا نتیجه خون و مبارزه مردم را یکبارہ بپایند. آنها شعبان بی مخ ها و شاه الهی های خود را در خارج نیز بسیج کرده اند تا مردم را مرعوب و یا تهدید کنند و تلویزیون های وابسته در این امر نیز بسیج و سازماندهی شده اند. آنچه که رضا پهلوی و دارودسته و چماق دارانشان در چنته دارند، امکانات مالی است که از مؤسسات و دولت های امپریالیستی و یا اسرائیل و عربستان دریافت می کنند. رسانه هائی برای تبلیغ رضا پهلوی و آرایش و زینت سلطنت دوران شاه و رضاشاه به راه افتاده اند. رسانه هائی که علی رغم "مجهول" بودن منبع مالی شان کمتر کسی است که نداند چگونه تأمین مالی و سیاسی می شوند.

با توجه به این شرایط حالا رضا پهلوی با سه اصل "حقوق بشر، دموکراسی و جدائی دین از حکومت و یک پارچگی کشور" به میدان آمده است تا ظاهراً همه را "متحد" کند. اما در اصل با موضوع "وکالت" تلاش دارد تا جنبش مردم ایران را تکه پاره کند. تلاش دارد وحدت مردم در این مبارزه را که به قیمت ۴۳ سال ستم و استثمار و دهها سال مبارزه به دست آمده است، زن، مرد، کرد، بلوچ و عرب، ... را متحد کرده تا یکپارچه در کف خیابان بجنگند متفرق کند. به عبارت دیگر پتانسیل این "وکالت" ایجاد دو و یا چند دستگی در صفوف متحد مردم و فراهم کردن شرایط برای سرکوب مبارزات مردم است و بس. کاری که جمهوری اسلامی نتوانست در این چهارماه گذشته انجام دهد.

بخش عمده مردم زیر بار این سلطنتی که تجربه کرده اند و عملکرد آن را دیده اند نمی روند. مردمی که عملکرد اصل اول رضا پهلوی یعنی "حقوق بشر و دموکراسی" را از طریق حکومت این خاندان تجربه کرده اند. شکنجه و زندان آن را خود و یا پدرانیشان شاهد بوده اند، آوازه ساواک آنها را دیده و یا شنیده اند، شکنجه دهها هزار زندانی سیاسی و اعدام گلسرخی ها، وارطان ها و روزبه ها، دکترفاطمی ها و صدها مبارز دیگر را دیده و شنیده اند، از ماجرای کودتای سیا - شاه و سرنگون کردن حکومت مصدق آگاهند، چنین مردمی زیر بار این سلطنت نمی روند.

اصل دیگر، رضا پهلوی و دارودسته اش تحت نام این که "یک پارچگی کشور شوخی بردار نیست و تعارف هم با کسی ندارد" خشم مردم ملیت های تحت ستم را بدرستی برانگیخته است. زیرا سرکوب های خونین این مناطق توسط خاندان پهلوی و جانشین خلف آنان - جمهوری اسلامی به حافظه تاریخی و تجارب مبارزاتی مردم مبدل گشته است. در طول تاریخ سرکوب خونین مبارزات و قیامهای مسلحانه این ملیت های تحت ستم جهت اعمال و تحکیم ستم مضاعف برای فوق استثمارزحمت کشان با تکیه بر منافع شونیست های فارس تحت نام "تمامیت ارضی و یک پارچگی کشور" انجام گرفته است. به همین دلیل هم شعارهایی چون "نه سلطنت نه رهبری دموکراسی برابری" و "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد چه رهبر" در این مناطق تصادفی نیست و توسط مبارزات مردم در بسیاری از نقاط ایران به ویژه در مناطقی با ملیت های کرد، بلوچ، آذری، عرب ... فریاد زده می شود.

در مورد جدانی "دین از حکومت" هم اول این که رضا پهلوی نه از "جدانی دین از دولت" بلکه از "جدانی دین از حکومت" که بسیار متفاوت است، سخن می گوید، اما همین هم برای مردم ایران مضحکه ای بیش نیست. زیرا بسیاری می دانند که حکومت جهانی و واپسگرای خمینی و خامنه ای نتیجه عملکرد همان رژیم سلطنتی است.

زیربنای آلترناتیو شدن جریانات مذهبی در انقلاب ۵۷ را باید در سیاست های شاه جست. سیاست امپریالیستها در مقابله با رشد عظیم کمونیسم در دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی با سرکوب خشن و باز گذاشتن دست جریانات ارتجاعی ضد کمونیست و مذهبی همراه بود. ساختن دهها هزار مسجد و حسینیه، قدرت بخشیدن به روحانیت و کتابهای دینی و تبلیغات دینی بدون کوچکترین سانسوری در دوران حکومت تک حزبی رستاخیز راه را برای اشاعه خرافات مذهبی و سرانجام شکل گیری آلترناتیو مذهبی در مقابل آلترناتیو انقلابی، باز نمود. همانگونه که داریوش همایون یکی از سیاستمداران کلیدی دوران شاه در یکی از مصاحبه هایش می گوید تعداد مساجد در ۳۷ سال حکومت شاه از دویست عدد به بیش از ۵۵ هزار رسید این به غیر از حسینیه ها، تکیه ها، مدارس مذهبی و درآمدهای میلیونی موقوفات و حمایت بازار بود. خونهای جنبش کمونیستی در ایران در همکاری شاه و شیخ ریخته شده است.

اینک نشانه های استبداد سلطنتی تنها با رسیدن بوی قدرت به مشام شان پدیدار گشته است. اگر خمینی قبل از قدرت می گفت مارکسیست ها همه آزادند سلطنت طلبان از همین حالا برای کمونیست ها خط و نشان می کشند. کمونیست ها به صرف کمونیست بودن مجرمند و از همین حالا توسط یاسمین پهلوی و دیگر چماقدارانشان حکم اعدام شان صادر شده است و شعار اعدام "سه فاسد" را بلند کرده اند.

در حقیقت سلطنت طلبان و رسانه های مبلغ آنها با پول های مفت رسیده از سیا و موساد و عربستان برای جنبش و مردم خط و نشان می کشند و در تلاشند تا به قیمت تفرقه انداختن در میان مردم خود را به امپریالیست ها بقبولانند. پول مفتی که مفت داده نمی شود بلکه در مقابل آن باید خدمات لازم را که به معنی خیانت به مردم و کشور است، برای آنها ارائه کرد. رضا پهلوی در واقعیت، خود اذعان می کند که در میان مردم نه مقبولیتی دارد و نه مشروعیتی و قرار است دو مشکل مطرح شده را از طریق هشتگ های "دموکراتیک" توئیتری با کمک همان امکانات رسانه ئی و مجازی برطرف سازد. هدف او حل مشکلات اساسی مردم نیست. در این مورد حتی حرفی هم نمی زند چه برسد به برنامه و

مهمتر از آن چگونگی اجرای آن. مسأله اساسی آنها بحث بر سر موضوعات و پروژه های امپریالیستی جهت سلطه و استثمار مردم است.

برای جریان رضا پهلوی ضربه زدن به مبارزات مردم نه تنها مهم نیست بلکه می خواهد با هشتگ "وکالت" برای خود "مشروعیت" بخرد و خود را "مقبول" امپریالیست ها کند و به عنوان تنها "موکل" خود را برای دیدار و مذاکره با شخصیت های سیاسی امپریالیستی جا کند و از این طریق رقبایش را کنار بزند و در کنترل خود درآورد. یا همانگونه که می گوید برای ارائه "برنامه یا پروژه" یک مبنای "مقبولیت و مشروعیت" به دست آورد و بتواند "در صحنه بین المللی رایزنی های لازم" را انجام دهد.

رضا پهلوی به همان روشی که پدرش سرنگون شد، می خواهد با همان روش به اصطلاح به قدرت برسد. این تبلیغات همچنین بخشی از تدارک ایدئولوژیک برای خلق افکار عمومی و قتل عام مردم است.

جنبش انقلابی زنان، جوانان و زحمتکشان در ایران در مسیر سرنگونی ارتجاع اسلامی و کلیه مناسبات اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی، آن نیاز دارد که با آگاهی عمیق تر از توطئه ها و آلترناتیوسازی های امپریالیستی و ارتجاعی، هر چه فعال تر و آگاهانه تر نه تنها به مبارزه علیه این توطئه و فریبکاری ارتجاعی بپردازند، بلکه به شکل گیری یک رهبری انقلابی همت گمارند. انقلاب واقعی کارگران و زحمتکشان برای پیروزی واقعی، شدیداً و هر چه سریعتر به آن نیاز دارد. ما نیز در مسیر این مبارزه همراه توده های مردم بوده و از هیچ کوششی دریغ نخواهیم ورزید.

زنده باد انقلاب پرولتری

زنده باد کمونیسم

جمعی از کمونیست های انقلابی - ایران

۱ بهمن - دلو - ۱۴۰۱